

## لزوم تصحیح مجدد متون مکتب‌خانه‌ای

مختار کمیلی\*

### چکیده

در دوره‌ی مشروطه نظام آموزشی ایران برای کودکان، مکتب‌خانه‌ای بوده است. این نظام، روش‌ها، آیین‌ها و اهداف خاص خود را داشت و کودکان برای سوادآموزی از کتاب‌های مصوّری که بیشتر به صورت چاپ سنگی بود، بهره می‌بردند. ذوالفقاری و حیدری در کتاب سه جلدی «ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران» هفتاد متن مکتب‌خانه‌ای را از روی چاپ‌های سنگی آنها چاپ کرده‌اند که در آنها کمابیش لغزش‌هایی در ضبط واژگان دیده می‌شود. در این مقاله، نگارنده بعضی از سهوهای جلد اول را که به متون منظوم مکتب‌خانه‌ای اختصاص دارد، بررسی و تصحیح می‌کند. روش تصحیح، مقابله‌ی متن‌ها با نُسَخ چاپ سنگی است که تصاویرشان پس از هر قصّه‌ای آمده است. نتیجه حاصل از این پژوهش آن است که پاره‌ای از سهوهای متن را بی‌معنی و نامفهوم می‌سازد و تصحیح آن‌ها ضرورت دارد زیرا خواندن این منظومه‌ها، علاوه بر این که هنوز برای کودکان و نوجوانان ما، لذت بخش، آموزنده و سرگرم‌کننده است، در پژوهش‌های مرتبط با ادبیات کودک و تاریخچه و سیر تحول آن منبعی اساسی است و فلسفه‌ی نقل آن‌ها در ادبیات مکتب‌خانه‌ای همین تواند بود. تصحیح انتقادی متون مکتب‌خانه‌ای تا امروز فراموش شده است و جای خالی چاپ‌های منقح آنها، در عرصه‌ی فرهنگ ایران احساس می‌شود.

کلید واژه‌ها: ادبیات مکتب‌خانه‌ای، تصحیح، قصّه، کودک، نسخ چاپ سنگی

### ۱. مقدمه

پیش از شکل‌گیری نظام آموزشی جدید در ایران، نظام آموزشی ما در دوره مشروطه، مکتب‌خانه‌ای بوده است. این نظام، آیین‌ها و رسم و رسوم خاص خود را داشت. کودکان مکتب‌خانه‌ها برای سوادآموزی از منابع درسی ویژه‌ای استفاده می‌کردند که بیشتر آنها به صورت چاپ سنگی در اختیار آنها قرار می‌گرفته است.

محمد هادی محمدی و زهره قایینی در جلد سوم و چهارم کتاب «تاریخ ادبیات کودکان ایران» پاره‌ای از این منابع را معرفی و در مواردی کلّ یک کتاب مکتب‌خانه‌ای را از روی چاپ سنگی آن نقل نموده‌اند.

---

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران  
Email: mokhtar.komaily@gmail.com

حسن ذوالفقاری و محبوبه حیدری به صورت مبسوطی به ادبیات مکتب‌خانه‌ای پرداخته‌اند. آنها در کتاب سه جلدی «ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران» زحمت بسیاری را بر خود هموار و هفتاد اثر مکتب‌خانه‌ای را به صورت کامل چاپ نموده‌اند؛ این دو، قبل از متن هر اثر مکتب‌خانه‌ای، در مقدمه‌ای به معرفی آن اثر، دست‌نویس‌ها و چاپ‌های آن پرداخته و خلاصه آن را آورده‌اند. همچنین پس از متن، تصاویر بعضی صفحات و در مواردی که متن کوتاه است، تصاویر تمام صفحات چاپ سنگی را به کتاب خود افزوده‌اند.

افزون بر این‌ها، در موارد بسیاری، لغزش‌ها و اغلاط متن چاپ‌های سنگی را تصحیح کرده و صورت نادرست چاپ‌های سنگی را با عبارت: در اصل، در پا نوشت صفحات نشان داده‌اند. تصحیحات مؤلفان ادبیات مکتب‌خانه‌ای، از راه مقابله‌ی نسخه‌های چاپ سنگی یا خطی، حاصل نشده است و آن‌ها تنها به یک چاپ سنگی اکتفا نموده‌اند. تنها در چند مورد متن قصه‌ای مکتب‌خانه‌ای با همین قصه که به صورت چاپ سربی نشر یافته، مقابله شده و اختلاف نسخ در پانوشت صفحات گزارش شده است؛ از جمله‌ی این قصص، نان و پنیر (منسوب به شیخ بهایی)، موش و گریه‌ی عبیدزاکانی و داستان شیخ صنعان و دختر پارساست.

داستان «مرد لر و رندان» از احمد نراقی نیز در شمار قصصی است که مؤلفان ادبیات مکتب‌خانه‌ای، آن را با متن چاپی مقابله کرده‌اند.

حدس و نظر مؤلفان ادبیات مکتب‌خانه‌ای در تصحیح پاره‌ای لغزش‌ها در موارد بسیاری کاملاً درست است و ضبط چاپ‌های سنگی غیر از چاپ سنگی مورد استفاده‌ی مؤلفان، آن را تایید می‌کند؛ مثلاً در این بیت از «مناظره‌ی جام و قلیان»:

چو قهوه کنی کیسه‌ها را تهی      چو ابلیس مردم ز ره می‌بری

(همان، ۱/۱۵۰)

مؤلفان در مورد ضبط «قهوه» می‌نویسند: گویا منظور «قحبه» است. در نسخه‌ی مورد استفاده‌ی مؤلفان، این واژه، صریحاً و خوانا به همین صورت که در متن قصه می‌بینیم، کتابت شده است. اما در تصویر چاپ سنگی‌ای که نویسندگان «تاریخ ادبیات کودکان» در کتاب خود انداخته‌اند (تصویر شماره‌ی ۵۳، صفحه‌ی ۷۰)، همان صورت پیشنهادی یا تصحیحی مؤلفان ادبیات مکتب‌خانه‌ای، یعنی «قحبه» به وضوح قابل خواندن است.

با این همه، لغزش‌هایی در ضبط پاره‌ای از واژگان دیده می‌شود که گاه ابیات یا عبارات را نامفهوم می‌سازد؛ بعضی از این لغزش‌ها، مطبعی است، پاره‌ای دیگر اصلاً از خود نسخه چاپ سنگی است که با تصحیح قیاسی به صورت اصیل و درست خود باز می‌آید و برخی هم مغایر ضبط‌های صحیح و روشن نسخه‌های چاپ سنگی است.

کتاب «ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران»، بی‌تردید یکی از منابع اصلی پژوهندگان و علاقمندان متون مکتب‌خانه‌ای است چون حاوی هفتاد متن مکتب‌خانه‌ای است که دسترسی به آنها برای همگان ممکن نیست؛ از این رو بایسته است که لغزش‌های آن، زدوده شود. اکثر متون مکتب‌خانه‌ای ایران، تا امروز و تا آنجا که نگارنده می‌داند، به چاپ انتقادی آراسته نشده‌اند.

شاید یکی از علل این امر آن باشد که بیشتر این متون، نسخه‌ی خطی ندارند و از همان آغاز، نخستین نشر آنها به صورت چاپ سنگی بوده است. همچنین ظاهراً چون این آثار مخصوص کودکان بوده، مورد اعتنا قرار نگرفته‌اند. نگاهی به نخستین متون مصحح مثل بوستان، گلستان، شاهنامه، کلیله و دمنه و ... این نظر را تایید می‌کند.

نگارنده، تا آنجا که در حوصله مقاله می‌گنجد، پاره‌ای از لغزش‌های جلد نخست را که به متون منظوم مکتب‌خانه‌ای اختصاص دارد، بررسی و صورت درست آنها را پیشنهاد می‌کند.

در مقاله‌ی حاضر، نه همه‌ی متون منظوم مکتب‌خانه‌ای که شمار آن‌ها ۴۵ متن است، بررسی می‌شوند و نه تمام ابیات نادرست متن‌های دوازده‌گانه‌ای که مورد بحث‌اند. مثلاً از متونی که اغلاط آن‌ها مورد بحث قرار نگرفته، «سرگذشت مرد شکاک و زن شدن او» است که ۸۷ بیت دارد. از مقابله‌ی متن مندرج در ادبیات مکتب‌خانه‌ای با نسخه‌ی چاپ سنگی سال ۱۳۰۰ می‌بینیم که ۳۵ بیت (۴۰/۲٪) در این دو متن، یکسان است و بقیه‌ی ابیات (۵۸/۸٪) ضبط‌های گوناگون دارند که بعضی از آن‌ها، نادرست است؛ برای نمونه از مقابله‌ی نسخه‌ی ۱۳۰۰ می‌توان این بیت را:

مرا برد همره به ماوای خویش [.....]

(ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱: ۵۵۸)

کامل و مصراع دوم را اینگونه ضبط نمود: به عقدم در آورد در جای خویش (ر.ک: محمدی

و قایینی، ۱۳۸۱؛ ج ۷۰۳/۴، تصویر ۵۰۷)

یا در این بیت: